

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# فصلنامه مطالعات فلسفی و ادبی

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده اسلام تمدنی)

مدیر مسئول: دکتر سید علیرضا واسعی

سرمدیر: دکتر سید حسین سیدی

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: هوشنگ استادی  
ویراستار: هوشنگ استادی

کارشناس بخش انگلیسی: دکتر سید محمدجواد سیدی

صفحه آرایی: سید حجت جعفری

طراحی جلد: کمیل بیگ

چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب - ۳۶۶۶۱۱۱۴ - ۰۲۵

«این نشریه حاصل فعالیت مشترک پژوهشکده اسلام تمدنی و انجمن علمی نقد ادب عربی ایران است.»

نشانی فصلنامه:

مشهد مقدّس، چهارراه خسروی، خیابان شهید رجایی

دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، پژوهشکده اسلام تمدنی

کد پستی: ۹۱۳۴۶۸۳۱۸۷ - تلفکس: ۰۵۱-۳۲۲۱۸۱۰۳

رایانامه: [jrla@isca.ac.ir](mailto:jrla@isca.ac.ir)

نشانی سامانه: <http://jrla.isca.ac.ir>

## اعضای هیئت تحریریه

- ۱- دکتر سید حسن سیدی  
(استاد دانشگاه فردوسی مشهد)
- ۲- دکتر علی باقر طاهری نیا  
(استاد دانشگاه تهران)
- ۳- دکتر ابوالحسن امین مقدسی  
(دانشیار دانشگاه تهران)
- ۴- دکتر رقیه رستم پور ملکی  
(دانشیار دانشگاه الزهراء)
- ۵- دکتر غلامرضا پیروز  
(دانشیار دانشگاه مازندران)
- ۶- دکتر سید علیرضا واسعی  
(دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - پژوهشگاه اسلام تمدنی)
- ۷- دکتر حجت رسولی  
(دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)
- ۸- دکتر محمد خامه گر  
(استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - پژوهشگاه اسلام تمدنی)
- ۹- دکتر جهانگیر مسعودی  
(دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)

## ارزیابان و مشاوران علمی این شماره

- ۱- دکتر عباس اقبالی، دانشیار دانشگاه کاشان
- ۲- دکتر حسین گلی، استادیار دانشگاه اراک
- ۳- دکتر تورج زینی وند، دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه
- ۴- دکتر منیر زیبایی، استادیار دانشگاه فرهنگیان مشهد
- ۵- دکتر سید مجید تقوی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
- ۶- دکتر طاهره ایشانی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۷- دکتر محمد غفوری فر، استادیار دانشگاه کوثر بجنورد
- ۸- دکتر سید حسین سیدی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد
- ۹- دکتر عبدالاحد غیبی، دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
- ۱۰- دکتر شیرین سالم، استادیار دانشگاه فرهنگیان مشهد
- ۱۱- جواد معین، عضو هیئت علمی گروه عربی جامعه المصطفی وابسته به مشهد مقدس
- ۱۲- دکتر علی خضری، استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر
- ۱۳- دکتر مهدی پرهام، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
- ۱۴- دکتر سید اسماعیل حسینی اجداد، استادیار دانشگاه گیلان

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش و تنظیم و ارسال مقالات

### الف- ضوابط کلی و محتوایی:

- ۱- مقاله ارسالی جهت چاپ در فصلنامه باید دارای محتوای علمی - پژوهشی باشد.
- تبصره ۱: ترجمه مقاله اگر همراه با نقد جامع علمی باشد می‌تواند در نشریه علمی-پژوهشی درج شود.
- ۲- لازم است نویسنده یا نویسندگان مشخصات دقیق خود را شامل: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مؤسسه متبوع، شماره تلفن تماس، نشانی دقیق پست الکترونیکی e-mail در صفحه‌ای جداگانه ارسال کنند (در صورت ارسال از طریق سامانه فصلنامه، نیازی به آن نیست).
- ۳- در صورتی که مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، نویسنده مسئول مشخص گردد.
- تبصره ۲: چنانچه نویسنده مسئول مشخص نشده باشد، ارائه مقاله و تمام مکاتبات و مسؤولیت مقاله با نویسنده اول است.
- ۴- مقاله قبلاً منتشر نشده و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نباشد. ضمناً مقاله‌های ارسالی، نباید هم‌زمان به فصلنامه‌های دیگر ارائه شوند.
- ۵- چنانچه مقاله‌ای برگرفته از پایان‌نامه یا طرحی تحقیقاتی باشد، یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- ۶- مسؤولیت صحت و سقم مقاله به لحاظ علمی و حقوقی به عهده نویسنده است.
- ۷- حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقاله‌ها برای مجله محفوظ است.
- ۸- تأیید نهایی مقاله برای چاپ در فصلنامه، پس از نظر داوران با هیأت تحریریه فصلنامه است.

### ب- ضوابط ساختاری و نگارشی:

- ۹- حجم مقاله حداکثر ۲۶ صفحه، و هر صفحه ۲۵۰ کلمه، دارای حداکثر ۲۴ خط باشد.
- ۱۰- مقاله بر یک روی کاغذ A4 با نرم‌افزار Word و قلم B Compset فونت ۱۲ حروفچینی شود. با حاشیه بالا و پایین ۵، چپ و راست ۴/۵ و میان ستور ۱ سانتی‌متر، و چکیده، پانویس و منابع با همان قلم و اندازه ۱۱ باشد. قلم انگلیسی Times New Roman با یک فونت کم‌تر از قلم فارسی و قلم عربی B Badr با یک فونت بیش‌تر تایپ شود.
- ۱۱- هر مقاله باید دارای بخش‌های زیر باشد:
  - ۱-۱۱. عنوان مقاله؛ ناظر بر موضوع پژوهش و کوتاه و رسا باشد.
  - ۲-۱۱. چکیده: حدود ۱۵۰-۲۰۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی که در بردارنده شرح مختصر و جامع محتویات نوشتار؛ شامل بیان مسأله؛ هدف؛ ماهیت پژوهش و نتیجه باشد.
  - ۳-۱۱. کلید واژه؛ هر مقاله باید دارای حداکثر ۴ و حداکثر ۷ کلیدواژه باشد.
  - ۴-۱۱. مقدمه؛ به تبیین موضوع مقاله، ارتباط آن با پژوهش‌های قبلی و جهات نوآوری آن در

راستای حل مشکلات موجود می‌پردازد.

۱۱-۵: متن اصلی: بخش اصلی مقاله است که باید پاراگراف‌بندی شده و هر پاراگراف دارای موضوعی خاص باشد.

۱۲- نتیجه؛ حدود ۱۵۰-۲۰۰ کلمه و دربردارنده جمع‌بندی و خلاصه مهم‌ترین مسایل مطرح شده در مقاله است.

۱۳- منابع: منابع مقاله، به ترتیب حروف الفبا مرتب شده (ابتدا منابع فارسی و عربی، سپس انگلیسی) و در انتهای مقاله آورده شوند. لازم است تمام مراجع در متن مقاله مورد ارجاع واقع شده باشند.

### ج- ارجاعات:

۱۴- ارجاعات درون‌متنی؛ منابعی که در متن اصلی مقاله مورد ارجاع قرار می‌گیرد:

۱۴-۱: در صورت نقل قول مستقیم از منبعی، ابتدا و انتهای مطلب باید میان دو گیومه قرار گیرد. در نقل به مضمون نیازی به گیومه نیست.

۱۴-۲: ارجاعات داخل متن شامل نام خانوادگی نویسنده؛ سال نشر؛ شماره جلد و صفحه (مثال: ۳۵/۱)

۱۴-۳: در صورت ارجاع به چند اثر از یک مؤلف سال انتشار نیز پس از نام مؤلف ذکر شود.

۱۴-۴: چنانچه نویسنده‌ای دارای دو یا چند اثر چاپ شده در یک سال باشد به صورت (نام مؤلف، سال انتشار حروف الفبا: ا-ب-ج و....، جلد/صفحه) ارجاع داده می‌شود؛ طوسی، ۱۳۵۹، ب، ۴۵۲ و طوسی، ۱۳۵۹، ج، ۱۲۵.

**تبصره ۳:** در صورتی که اثری دارای بیش از سه نویسنده باشد، پس از نام نخستین نویسنده، عبارت «دیگران» برای آثار فارسی و عبارت «et al.» یا «and others» برای آثار انگلیسی قرار می‌گیرد.

۱۴-۵: دو یا چند استناد درون‌متنی در کنار یکدیگر در یک جفت پرانتز، با علامت نقطه ویرگول از هم جدا می‌شوند.

۱۴-۶: ارجاعات توضیحی، مانند صورت لاتین کلمات در پانوشت و شرح اصطلاحات و مانند آن در پانوشت آورده شود. (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مثل متن مقاله روش درون متنی خواهد بود).

۱۴-۷: در مواردی که بلافاصله یا با فاصله از ذکر منبع اصلی - اگر ذکر منبعی دیگر موجب ابهام یا عدم شناسایی منبع مورد ارجاع نگردد - به همان منبع ارجاع داده شود و از کلمه همان و شماره صفحه و در صورتی که شماره صفحه نیز یکی باشد، با همان شرط یادشده، از واژه همان استفاده شود.

۱۴-۸- در ارجاعات آیات درون مقاله این گونه عمل می‌شود: اصل آیه، شماره سوره و آیه:  
(۶۵/۱)، ترجمه فارسی آیه.

۱۵- شیوه ارجاع منابع پایان مقاله

۱-۱۵: کتاب‌ها: نام خانوادگی/شهرت، نام؛ (سال انتشار)، عنوان کامل اثر به صورت ایرانیک یا ایتالیک (عنوان اصلی با دو نقطه از عنوان فرعی جدا شود)، مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی، ویرایش (در صورتی که نخستین ویرایش نباشد)، نوبت چاپ، جلد، محل انتشار: ناشر.  
تبصره ۴: در آثاری با بیش از دو نویسنده تنها نام نویسنده اول معکوس می‌شود و نام نویسندگان دوم به بعد به صورت طبیعی پس از یک ویرگول و حرف ربط «و» پیش از نام نویسنده آخر می‌آید.

تبصره ۵: در صورت عدم وجود تاریخ نشر، از لفظ «بی‌تا» و در صورت عدم وجود محل نشر از لفظ «بی‌جا» و در صورت عدم وجود ناشر، از لفظ «بی‌نا» استفاده شود.

۲-۱۵: مقالات: نام خانوادگی/ شهرت، نام، (سال انتشار)، عنوان کامل مقاله درون گیومه، نام مجله به صورت ایرانیک یا ایتالیک، محل نشر، دوره، شماره، ماه/ فصل انتشار، شماره صفحات مربوط به مقاله.

تبصره ۶: برای ذکر صفحات متوالی از صص استفاده می‌شود؛ مانند صص ۲۵-۲۸ و برای صفحات متناوب از ص؛ مانند ۴۳ و ۴۷ و ۵۰)

۳-۱۵: پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان پایان‌نامه به صورت ایرانیک یا ایتالیک، نام دانشگاه، سایت اینترنتی که پایان‌نامه مذکور در آن در دسترس می‌باشد.

۴-۱۵: سایت اینترنتی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار و یا روز آمدن شدن)، عنوان مطلب درون گیومه، آدرس سایت به صورت کامل.

۵-۱۵: پایان‌نامه و سایت اینترنتی جداگانه ذکر نمی‌گردد؛ بلکه در ترتیب الفبایی فهرست منابع و مآخذ آورده می‌شود.

۶-۱۵: همه متون عربی اعم از آیات قرآن، نهج البلاغه، احادیث و جز آن‌ها باید به طور کامل و درست اعراب‌گذاری شود.

# فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی

سال سوم، شماره اول، پیاپی ۹، بهار ۱۳۹۷

## فهرست مطالب

- |                                                                                                              |     |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| • تحلیل گفتمان انتقادی امام محمد باقر (ع) خطاب به اهل دمشق بر مبنای نظریهٔ فرکلاف و ون دایک                  | ۹   |
| دکتر حسن خاکپور، فاطمه عقدایی                                                                                |     |
| • الگوپذیری «خطبهٔ قاصعه» نهج البلاغه از قرآن کریم با رویکرد بینامتنیت                                       | ۳۳  |
| دکتر حسن خرقانی، جواد معین، محمد اسفندیاری                                                                   |     |
| • تحلیل و بررسی خطبهٔ ۲۲۳ نهج البلاغه از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای                                              | ۵۱  |
| دکتر حسین یوسفی آملی، دکتر مصطفی کمالجو، مریم اطهری‌نیا                                                      |     |
| • معناشناسی معادل‌های واژگانی «جامعه» در سورهٔ اعراف و بررسی تفاوت‌های آن‌ها (مطالعهٔ موردی: امت، قریه، قوم) | ۷۵  |
| دکتر حسن میرزایی‌نیا، دکتر سید مهدی نورکیزدانی، فرشته ناصری‌فر                                               |     |
| • مفهوم‌شناسی توصیفی واژهٔ "حکمت" با تأکید بر شبکه معنایی در قرآن کریم و روایات معصومین (ع)                  | ۹۹  |
| دکتر حسین گلی                                                                                                |     |
| • تحلیل ساختاری و محتوایی سیمای حضرت زهرا (ع) در اشعار شاعران شیعی معاصر عربی و فارسی                        | ۱۲۵ |
| دکتر ابراهیم فلّاح                                                                                           |     |
| • بازتاب مضامین قرآنی در هفت اورنگ جامی                                                                      | ۱۵۱ |
| دکتر ابراهیم نامداری، دکتر علی‌اکبر احمدی، لیلا یاوری                                                        |     |



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## تحلیل گفتمان انتقادی امام محمد باقر (ع) خطاب به اهل دمشق بر مبنای نظریه فرکلاف و ون دایک

دکتر حسن خاکپور<sup>۱</sup>

فاطمه عقدایی<sup>۲</sup>

### چکیده

امام باقر (ع) پنجمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، نقشی اثرگذار در رشد و بالندگی شیعه و دفاع از اسلام داشتند. یکی از شیوه‌های حضرت به ویژه در مواجهه با جنگ روانی دشمنان، گفتمان انتقادی است. این امام همام در هر فرصتی با انتقاد روشنگر از ایدئولوژی حاکم، که لباس خلیفه مسلمین را در ظاهر بر تن داشت، خواستار تغییر بافت فرهنگی جامعه می‌شدند. یکی از این موارد، خطبه امام باقر (ع) خطاب به اهل دمشق است. تحقیق پیش رو به روش توصیفی-تحلیلی با رویکردی میان‌رشته‌ای از دریچه زبان‌شناسی، این خطبه را بررسی کرده و بازنمود رویکرد امام نسبت به حضرت علی (ع) و مخالفان ایشان را با بهره‌گیری از مؤلفه‌های مطرح شده در رویکرد فرکلاف و مرتب ایدئولوژیک ون دایک نشان داده است. تحلیل گفتمان انتقادی خطبه و عبور از دال رسیدن به مدلول کلام، حاکی از آن است که تفاوت رویکرد امام (ع) به دو گروه، نشان‌دهنده اختلاف در زیربنای فکری ایشان به شمار می‌رود و تمامی انتخاب‌های زبانی امام باقر (ع) در سطوح مختلف در راستای هدف حضرت است که همان اثبات حقانیت ولایت حضرت علی (ع) و انتقاد به بستر ایدئولوژیک حاکم می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** امام محمد باقر (ع)، تحلیل گفتمان انتقادی، خطبه، فرکلاف، ون دایک.

۱- دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان، نویسنده مسئول [dr.khakupour@theo.usb.ac.ir](mailto:dr.khakupour@theo.usb.ac.ir)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان [f.aghda@yahoo.com](mailto:f.aghda@yahoo.com)

## مقدمه

گفتمان یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که افراد می‌توانند برای بیان دیدگاه‌ها، ایدئولوژی‌ها و طرز فکر خود به کار گیرند. در این خصوص نقش چشمگیر تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۱</sup> مناظرات و خطبه‌های ائمه معصومین (ع) در شکل‌دهی و جهت‌بخشی به افکار عمومی انکارناپذیر است؛ زیرا به طور خاص در زمان حکومت حاکمان غاصب، گفتمان ائمه (ع)، متناسب با خفقان و فضای حاکم، دارای لایه‌های مخفی است و با بهره‌گیری از روش‌های جدید زبان‌شناسی می‌توان به فهمی عمیق‌تر از کلام ایشان دست یافت. جانستون<sup>۲</sup> می‌گوید: هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که کشف کند گفتمان و ایدئولوژی چگونه به هم مربوط هستند و درهم تنیده شده‌اند (Johnstone, 2008: 23). به بیانی دیگر تحلیل گفتمان انتقادی، ما را به لایه‌های زبانی مختلف کلام امام رهنمون می‌شود. این گونه پژوهش‌ها ضمن معرفی سیره ائمه معصومین (ع) در تعامل با مخالفان و گروه‌های باطل، مسیر صحیح را برای پیروان راه ایشان روشن می‌سازد. از این رو پژوهش حاضر با به کارگیری تعدادی از مؤلفه‌های مطرح شده در رویکرد فرکلاف<sup>۳</sup> و هم‌چنین مرتب‌ایدئولوژیک ون‌دایک<sup>۴</sup> یکی از خطبه‌های حضرت امام محمد باقر (ع) را، بررسی و بازنمود رویکرد ایشان نسبت به حضرت علی (ع) و مخالفانشان را نشان داده است.

## ۱- پرسش‌های پژوهش

بنیاد اصلی این مقاله بر پاسخ به پرسش‌های زیر با محوریت نظریه فرکلاف و ون‌دایک، استوار است:

- ۱- در خطبه حضرت باقر (ع)، انتخاب واژگان و معانی آن‌ها و نیز کاربرد استعاره، کنایه و مجاز چگونه است و گویای چیست؟
- ۲- نامگذاری افراد و گروه‌ها و هم‌چنین نسبت دادن صفات و خصوصیات مختلف به آن‌ها چگونه و با چه هدفی است؟
- ۳- جملات سؤالی در خطبه با چه انگیزه‌ای به کار رفته‌اند؟

- 
- 1- Critical Discourse Analysis
  - 2- Johnstone, Barbara
  - 3- Fairclough Norman
  - 4- Van Dijk

برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، سعی شده با بررسی مؤلفه‌های واژگانی از قبیل انتخاب واژگان و معانی آن‌ها، نامگذاری و ارجاع<sup>۱</sup>، استراتژی‌های گزاره‌پردازی<sup>۲</sup> و توصیف، استعاره<sup>۳</sup>، کنایه<sup>۴</sup>، مجاز<sup>۵</sup> و مؤلفه‌های نحوی مانند وجهیت و تعدی این تفاوت رویکرد نشان داده شود.

## ۲- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در تحلیل گفتمان انتقادی علی‌رغم عمر به نسبت کوتاه، غنی و قابل توجه است. از برخی جدیدترین تحقیقات در غرب به فرکلاف (۲۰۰۱، ۲۰۱۰)، ون‌دایک (۲۰۰۶)، ریچاردسون<sup>۶</sup> ریچاردسون<sup>۶</sup> (۲۰۰۷)، جانسون (۲۰۰۸) می‌توان اشاره کرد و در ایران نیز علاوه بر کتاب‌های زیادی مانند "ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی" یارمحمدی (۱۳۸۵)، "قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران" سلطانی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار آقاگل‌زاده مانند "زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن" (۱۳۸۳)، تحلیل گفتمان انتقادی (۱۳۸۹)، "مجموعه مقالات کارگاه تحلیل گفتمان" (۱۳۹۰)، "فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی" (۱۳۹۲) و "زبان‌شناسی خیر" (۱۳۹۳)، پژوهش‌هایی ارزشمند در قالب پایان‌نامه در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری مانند "تحلیل گفتمان انتقادی گلستان سعدی" توسط مرجان فردوسی (۱۳۸۹، دانشگاه الزهراء)، "تحلیل گفتمان انتقادی صادق هدایت در چهارچوب نظریه فرکلاف" اثر عاطفه رجبی بهجت (۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی) انجام شده است.

هم‌چنین به برخی مقالات در حوزه متون دینی اشاره می‌کنیم: صفایی و سلطانی (۱۳۹۴)، دوفصلنامه جستارهای زبانی) با به کارگیری گرامر هالییدی<sup>۷</sup> نامه امام علی (ع) به معاویه را از منظر تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کرده‌اند. محمدرضایی و اکبری‌زاده (۱۳۹۲)، مجله فلسفه دین) گفتمان سوره مریم را مورد تحلیل قرار داده‌اند. روشنفکر و اکبری‌زاده (۱۳۹۰، نشریه منهج) در قالب

1- Naming and reference

2- Predication

3- Metaphor

4- Irony

5- Metonym

6- Recharadson John

7- Halliday

تحلیل گفتمان انتقادی از خطبه فدک حضرت زهرا (ع) در حدّ توان، رمزگشایی نموده‌اند. پیشینه پژوهش بیانگر فقدان پژوهشی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در چارچوب نظریه فرکلاف و ون‌دایک درباره سخنان امام باقر (ع) است؛ از این رو در این مقاله سعی شده یکی از خطب حضرت را که در قالب شکوائیه ایراد گشته با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و نظریه فرکلاف و ون‌دایک بررسی کنیم تا نشان دهیم حضرت چگونه از زبان، در راستای مشروعیت ولایت امام علی (ع) و مقابله با گفتمان‌های ظالمانه مخالف بهره برده است. این گونه پژوهش‌ها ضمن معرفی سیره امامان معصوم (ع) در تعامل با مخالفان و گروه‌های باطل، مسیر صحیح را برای پیروان راه ایشان روشن می‌سازد.

### ۳- تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۷). تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی در تحلیل گفتمان است که از ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت. (آقاگل زاده؛ خیرآبادی، ۱۳۹۳: ۴۰) در این رویکرد تحلیلگر گفتمان از تحلیل عناصر زبانی گام را فراتر برمی‌دارد و به تحلیل نقش عناصری مانند جهان‌بینی، سوگیری و تعصب، روابط قدرت و مسایل اجتماعی، سیاسی و تاریخی در شکل‌گیری گفتمان می‌پردازد. (Van Leeuwen, 2008: 64)

نورمن فرکلاف، یکی از صاحب‌نظران برجسته در زمینه "تحلیل گفتمان انتقادی"، نقش زبان را در آشکارسازی قدرت پنهان در گفتمان بررسی می‌نماید. (جلیلی، ۱۳۸۹: ۱۳۴)، هم‌چنین ون‌دایک، در این زمینه نزدیک‌ترین تفکر را به نظریات فرکلاف دارد، لذا قصد عملی و کاربردی تحلیل گفتمان انتقادی، این است که با مطالعه کلام و متون، جهان‌بینی و روابط قدرت نهفته و ناشناخته را برای مردم عیان سازد.

### ۴- مؤلفه‌های مطرح شده در چارچوب فرکلاف- ون‌دایک و مورد استفاده در تحلیل متن

#### این پژوهش

مؤلفه‌های مورد بررسی این پژوهش به طور عمده، در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تعریف شده‌اند که به دو دسته کلی مؤلفه‌های واژگانی و نحوی تقسیم می‌شوند، و به طور ضمنی دو ضلع اول از مربع ایدئولوژیک ون‌دایک را نیز لحاظ نموده است که یک بازنمود مثبت از خود و

بازنمودی منفی از دیگران ارایه می‌دهد. این دو ضلع عبارتند از: ۱- برجسته‌سازی و تأکید بر نکات مثبت ما؛ ۲- برجسته‌سازی و تأکید بر نکات منفی آن‌ها (ون دایک، ۱۳۸۲: ۷۸-۷۹).

#### ۴-۱: مؤلفه‌های واژگانی

##### ۴-۱-۱: انتخاب واژگان و معانی آن‌ها

تمام انواع واژگان و به خصوص اسامی، افعال، صفات و قیود علاوه بر معانی صریح خود، شامل معانی ضمنی نیز می‌باشند (حامدی‌شیروان، ۱۳۸۸: ۴۵)؛ به طور مثال خداوند از ﴿يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ (بقره/۳) به عنوان یکی از صفات متقین یاد کرده است. "یؤمنون" مضارع است و به طور ضمنی معنای استمرار و مداومت را به همراه دارد، لذا تحلیلگر این گفتمان متوجه می‌شود از دیدگاه خداوند، صفت "ایمان به غیب" در متقین نهادینه شده است. با توجه به نقشی عمده که تحلیل واژگان، در فهم متن دارند، تقریباً همیشه اولین مرحله هر تحلیل گفتمانی یا متنی می‌باشد.

##### ۴-۱-۲: نامگذاری و ارجاع

همگی ما به‌طور همزمان دارای مجموعه‌ای از هویت‌ها، نقش‌ها و خصوصیات هستیم که می‌توانند برای توصیف دقیق ما به کار روند، درحالی که معانی متفاوت دارند (Fairclough, 1992: 49). گوینده باید برای افراد موجود در رویدادی که گزارش می‌کند، نامی ارایه دهد، انتخاب این که یک شخص یا گروه را با عباراتی خاص توصیف کند، می‌تواند اهداف سیاسی، اجتماعی و روانشناختی متفاوتی را دنبال نماید (حامدی‌شیروان، ۱۳۸۸: ۴۶) و منعکس کننده دیدگاهی خاص است که می‌تواند بار مثبت یا منفی داشته باشد (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۹). در متون دینی و به‌طور خاص قرآن کریم، می‌توان انواع ارجاعات را ملاحظه کرد و از بررسی چرایی کاربرد هر ارجاع در هر آیه به هدف گوینده از کاربرد آن پی برد؛ رسول خدا (ص) القابی فراوان داشتند، ولی با توجه به هدفی که سیاق آیات هر سوره دنبال می‌کند در هر آیه به لقبی خاص اشاره شده است؛ مثلاً اگر آیه ﴿وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾ (جن/۱۹) از آن جناب تعبیر به عبد الله کرده، در واقع زمینه‌چینی برای آیه بعدی نموده که می‌فرماید: ﴿فَلِإِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي﴾ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۸/۲۰).

#### ۴-۱-۳: گزاره‌پردازی

فرآیند نسبت دادن صفات و ویژگی‌هایی به اشخاص، حیوانات، اشیاء، رویدادها، اعمال و پدیده‌های اجتماعی از نظر زبانی، از طریق راهبردهای گزاره‌پردازی است که اشخاص و غیره براساس کمیت، کیفیت، مکان، زمان و غیره، مشخص و توصیف می‌شوند (حامدی شیروان، همان: ۴۶) از گزاره‌پردازی یا اسناد هم‌چنین می‌توان برای انتقاد، بدنام کردن و متزلزل ساختن شخصیت برخی افراد استفاده کرد (همان، ۴۷). خداوند گروهی از مسلمانان ضعیف‌الایمان را چنین توصیف می‌کند: ﴿وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ﴾ (توبه/۴۷). "سماع" به معنای کسی است که حال پذیرش و شنوایی او زیاد است و بدون مطالعه و دقت هر سخنی را باور می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۳۵/۷)

#### ۴-۲: مؤلفه‌های نحوی و ساختار جملات

برای پرده برداشتن از چهره ایدئولوژی‌های حاکم بر گفتمان لازم است علاوه بر واژگان به کار رفته در کلام، ساختار گفتمان را از نظر نحوی نیز مورد ارزیابی قرار دهیم، چراکه ارزیابی نوع افعال، روابط بین کنشگر و کنش‌پذیر و سایر مؤلفه‌های نحوی، نقشی مؤثر در رساندن تحلیلیگر به نتایج دقیق‌تر دارند.

#### ۴-۲-۱: استعاره

عبارت از درک چیزی توسط چیز دیگر است (Rechardson, 2007: 47) استعاره فقط یک آرایه سبکی سطحی زبان نیست، بلکه طرز فکر، شیوه، عمل و نظام‌های دانش و عقیده ما را به طریقی کاملاً اساسی و فراگیر نسبت به موضوعات می‌سازد. (Fairclough, 1992: 195) یک نمونه از استعارات زیبای قرآنی ﴿وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ﴾ (بقره/۹۳) است.<sup>۱</sup> تحلیلگر این گفتمان درمی‌یابد از منظر الهی، محبتی که یهود به گوساله داشت، عادی نبوده، بلکه به قدری شدت داشته که خداوند می‌فرماید قلوب ایشان به عجل آمیخته شد! درحالی که قلوب یهود، اسیر محبت عجل شده بود.

#### ۴-۲-۲: کنایه

یک عبارت کنایه آمیز، انعکاسی از تلقی گوینده است، نقش اصلی کنایه این است که نوع دیدگاه و نگرش گوینده نسبت به موضوعات را ابراز کند. (Fairclough, Ibid: 123)، مثلاً ترجمه عبارت ﴿فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ﴾ می شود «مال یتیم را به دست خودش بدهید». ولی یک تحلیلگر در لایه های پنهان گفتمان فوق، این معنا را استخراج می کند که از نگاه گوینده مال یتیم هم چون زحمت و شری است که باید به سرعت از خود دور کرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۷۵/۴)

#### ۴-۲-۳: مجاز

در فرآیند مجاز یک کلمه، عبارت یا شیء جایگزین کلمه، عبارت یا شیء دیگری که حوزه معنایی مربوط به آن می شود. (حامدی شیروان، ۱۳۸۸: ۴۸) از جنبه تحلیل گفتمانی، مجاز از این جهت اهمیت دارد که گوینده را قادر می سازد تا عاملان را ناپدید کنند یا آن ها را در پشت پرده نگه دارد (Rechardson, 2007: 67-68) کتاب قرآن کریم در بلاغت و فصاحت سرآمد تمامی گفتمان ها است و می توان از آن به عنوان مجموعه ای غنی از انواع استعاره، کنایه و مجاز نام برد. نگاه تحلیلگرانه به این آرایه ها، پژوهشگران قرآنی را به حقایق عمیق تر از ترجمه محض، رهنمون می شود.

#### ۴-۲-۴: تعدی

این که عملی را به صورت متعدی یا رابطه ای بیان کنیم، معانی ضمنی مهمی را به همراه دارد و این انتخاب، از اهمیت ایدئولوژیکی یا اجتماعی برخوردار است (Ibid, 54) در واقع برای گوینده مجموعه ای از انتخاب ها موجود به شمار می روند؛ ولی متناسب با هدفش، متن را این گونه تولید کرده است. (Mills, 1995: 144) در آیات قرآن نیز دیده می شود که متناسب با غرض گوینده، یک فعل به فاعل های مختلف نسبت داده می شود. به طور مثال قبض روح گاهی به خدا (زمر/۴۲)، گاهی به ملک الموت (سجده/۱۱)، گاهی به ملائکه (انفال/۵۰) منسوب می گردد و در برخی آیات نیز مجهول می آید (زمر/۷۰). نگاه تحلیلگرانه به رابطه کنش و کنش پذیر، همواره اطلاعاتی فراتر از ظاهر کلام به ارمغان می آورد.

#### ۴-۲-۵: وجهیت

وجه عبارت از نگرش یا نظر یک گوینده در مورد صحت گزاره‌ای است که توسط یک جمله بیان می‌شود. (Simpson, 1993: 4)، لذا انتخاب‌های وجهی نشان‌دهنده نگرش‌ها، قضاوت‌ها یا عقاید گوینده می‌باشند (Rechardson, Ibid: 62) تحلیل وجهیت، تاحدودی پیچیده است و در بررسی آن در زبان عربی باید به برخی حروف که قبل از فعل قرار می‌گیرند و برمعنای آن اثر می‌گذارند، توجه شود. به طور مثال حرف "قد" که در قرآن کریم حدود ۱۶۶ مرتبه به کار رفته، بیش‌تر معنای تحقیق و تأکید را به فرآیند گفت‌وگو اضافه می‌کند. هم‌چنین، ممکن است وجهیت در زبان عربی از طریق ضمایر، صفات، افعال اندیشه‌ای، زمان فعل، اسم‌فعل‌ها و جز آن‌ها نشان داده شود، با این شرط که بیانگر درجه‌های نگرش و داوری گوینده باشند. به‌این ترتیب وجوه خبری، پرسشی، امری، التزامی، آرزویی، دعایی و عاطفی نیز معطوف به وجهیت هستند.

#### ۵- تحلیل بافت موقعیتی خطبه

هر گفتمانی در شرایطی خاص و به عبارت دیگر در بافت موقعیتی ویژه شکل می‌گیرد که برای بررسی و تحلیل، دانستن بافت موقعیتی و چگونگی شکل‌گیری آن گفتمان مهم است، بنابراین شرط لازم برای ورود به تحلیل خطبه امام باقر (ع)، آشنایی نسبت به بافت، فضا و عواملی می‌باشد که منجر به ایراد خطبه شده است که در این رابطه مواردی ارائه می‌گردد:

حکام معاصر امام باقر (ع)، نسبت به شیعیان و به طور خاص شخص حضرت سخت‌گیری می‌کردند. (امام، ۱۳۹۳: ۹۶) در زمان خلافت ولید و سلیمان، بدعت سب و لعن امیرالمؤمنین (ع) هم‌چنان در جامعه رواج داشت و حتی یزیدبن عبدالملک افزون بر فساد اخلاقی و علاقه زیاد به مطربان، به شخص رسول الله (ص) جسارت می‌کرد (مسعودی، بی‌تا: ۱۹۷/۳)، چه برسد به اهل بیت آن حضرت. در چنین روزگاری که حاکمان جامعه اسلامی آشکارا به اهل بیت پیامبر (ع) توهین می‌نمودند و هیچ اعتقاد و احترامی نسبت به ایشان قایل نبودند به طور ناخودآگاه این ایدئولوژی به مردم نیز سرایت می‌کند و بی‌ادبی به ساحت امیرالمؤمنین (ع) - که رسول خدا در تمجید و بیان نهایت تواضع ایشان، لقب ابوتراب را به وی عطا نمود<sup>۲</sup> - امری رایج می‌شود (ساعدی، ۱۳۷۴: ۱۱/۳). نکته دیگر این که امام باقر (ع) نسبت به امامان قبلی (ع) از آزادی عمل بیش‌تر برخوردار بودند، از این رو ایشان در هر فرصت مناسبی در قالب گفتمان‌هایی شیوا، مستدل، انتقادی و روشن‌نگرانه



مشروعیت ولایت امیرالمؤمنین (ع) و بطلان خلافت سایرین را به گوش جامعه می‌رساند. ایشان برای انجام این رسالت، همه امکانات را به خدمت گرفتند؛ برای نمونه در خطبه مورد تحلیل، حضرت پس از شنیدن اهانت مردم و قبل از شروع گفتمان انتقادی، به دیوار مسجد دمشق تکیه زدند و شروع به ایراد خطبه نمودند. این تکیه زدن به دیوار کاملاً با متن خطبه هماهنگ است. به بیان دیگر امام (ع) با مشاهده جهل مردم، دیوار مسجد را تکیه‌گاه خود قرار دادند، گویی این ناآگاهی جامعه، به قدری برای ایشان سخت و سنگین بود که دیگر یارای ایستادن نداشتند و به این ترتیب اوج ناراحتی و انتقاد خود را در عمل سپس در کلام با ایراد خطبه نشان دادند.

### ۶- تحلیل بافت متنی خطبه

این خطبه تنها با یک سند<sup>۳</sup> و بالطبع با یک متن، نقل شده است و ظنی‌الصدور می‌باشد. تعدد نقل در تحلیل گفتمان، از این جهت اهمیت می‌یابد که اگر روایان، عین کلام امام (ع) را ثبت نمی‌نمودند و نقل به معنا می‌کردند، دقت کار تحلیلگر گفتمان را می‌کاست و درموردی که تفاوت‌ها در نقل چشمگیر باشد، در عمل جایی برای تحلیل گفتمان باقی نمی‌ماند به خصوص این که شخص گوینده امام (ع) است که مراتبش به هیچ عنوان با گوینده غیر ایشان قابل قیاس نیست و این یکی از محدودیت‌ها در پیاده‌سازی مبانی نظری تحلیل گفتمان در حوزه روایات می‌باشد. البته این محدودیت در رابطه با روایات متواتر لفظی مطرح نیست؛ زیرا این روایات مانند آیات قرآن عین کلام گوینده هستند و تحلیلگر می‌تواند متناسب با سعه وجودی خود، به استخراج اراده گوینده بپردازد.

در رابطه با این خطبه، کتب روایی فقط مقدمه و قسمتی از متن اصلی آن را نقل کرده‌اند و راوی با ذکر طولانی بودن خطبه، بخش پایانی آن را حذف کرده است. طلیعه خطبه با حمد و ثنای الهی و ذکر صلوات بر رسول خدا (ص) آغاز می‌گردد سپس متن اصلی آن، با خطاب قرار دادن اهل دمشق آغاز می‌گردد. حضرت با خطاب‌های تند و کوبنده، اهل دمشق را نسبت به بی‌حرمتی به امیرالمؤمنین (ع) برحذر می‌دارد و به آن‌ها از گرفتار شدن به عذاب الهی هشدار می‌دهد. آن‌گاه با برشمردن فضایل و سوابق درخشان حضرت علی (ع) و یادآوری نحوه عملکرد معاصران حضرت، به مردم تذکر می‌دهد امام علی (ع) همپای رسول خدا گام برمی‌داشت و سایرین عاجز از سخن در وصف ایشان می‌باشند؛ حال چه شده که لقب افتخار آفرین ایشان ملعبه اهل بازار شده است. (ابن

شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/۳۳۴). امام باقر (ع) در ادامه، با ندهای متوالی، اندازگانه، تهدیدوار و بیزار جویانه وارد عمل می‌شوند و ضمن به کارگیری اسلوب‌های تعجب و استفهام انکاری و تویخ، مباحث تاریخی را بیان می‌کند تا پرده از حقایق برداشته شود و آنچه سال‌ها بعد از رحلت پیامبر (ص) توسط خلفای اموی-سانسور شده بود، روشن و آشکار گردد.

## ۷- تحلیل گفتمان انتقادی امام محمد باقر (ع) بر مبنای نظریه فرکلاف و ون‌دایک

سیاست سرکوب امویان در عصر امام باقر (ع)، شیعه را در تنگنای سه ضلعی «خفقان، جعل حدیث و اتهام‌های ناروا» قرار داد و حیات فکری شیعه را با خطر جدی روبه رو کرد. (عقداپی، ۱۳۹۶: ۱۴) ساختارهای مسلط بر جامعه، الگوهایی را نهادینه می‌کردند که خطوط فکری مغایر با ایدئولوژی ترسیم شده از سوی نبی اکرم (ص) را دربر داشت (همان، ۳۰-۵۴)، لذا حضرت (ع) در ابطال ایدئولوژی حاکم و برای هشدار به مسلمین در لزوم بازگشت به خط نبوی، در قالب خطبه‌هایی مستدل، گفتمان انتقادی را شکل دادند. حضرت خطاب به اهل دمشق خطبه‌ای ایراد نمودند که تحلیل آن، اثبات مدعای فوق است. با توجه به مؤلفه‌های نظریه فرکلاف و ون‌دایک به تبیین و تحلیل این خطبه می‌پردازیم. متن خطبه به نقل از امام صادق (ع) چنین است:

«لَمَّا أُشْخَصَ أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ إِلَى دِمَشْقَ - سَمِعَ النَّاسَ يَقُولُونَ هَذَا ابْنُ أَبِي تَرَابٍ - قَالَ فَأَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى جِدَارِ الْقُبْلَةِ - ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَتَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ (ص) - ثُمَّ قَالَ اجْتَنِبُوا أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ ذُرِّيَّةَ النَّفَاقِ - وَ حَشْوِ النَّارِ وَ حَصَبِ جَهَنَّمَ - عَنِ الْبَدْرِ الرَّاهِرِ وَ الْبَحْرِ الرَّاخِرِ وَ الشَّهَابِ الثَّاقِبِ - وَ شَهَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ - مِنْ قَبْلِ أَنْ تُظْمَسَ وَجْهُ - فَتَرَدَّ عَلَى أَدْبَارِهَا - أَوْ يُلْعَنُوا كَمَا لَعِنَ أَصْحَابِ السَّبْتِ - وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا - ثُمَّ قَالَ بَعْدَ كَلَامٍ أَبْصِنُوا رَسُولَ اللَّهِ (ص) تَسْتَهْزِئُونَ - أَمْ يَبْغُضُونَ الدِّينَ تَلْمِزُونَ - وَ أَيُّ سَبِيلٍ بَعْدَهُ تَسْلُكُونَ - وَ أَيُّ حُزْنٍ بَعْدَهُ تَدْفَعُونَ - هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ بَرَزَ وَ اللَّهُ بِالسَّبْقِ وَ فَازَ بِالْخِصْلِ - وَ اسْتَوَى عَلَى الْغَايَةِ وَ أَحْرَزَ الْخِطَارَ - فَانْحَسَرَتْ عَنْهُ الْأَبْصَارُ وَ خَضَعَتْ دُونَهُ الرَّقَابُ - وَ فَرَعَ الذَّرْوَةَ

الْعُلْيَا - فَكَذَّبَ مَنْ رَامَ مِنْ نَفْسِهِ السَّعْيَ وَ أَعْيَاهُ الطَّلَبَ - فَأَتَى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ - وَ قَالَ

أَقْلَبُوا عَلَيَّهِمْ لَا أَبَا لِأَبِيكُمْ

مِنَ اللَّوْمِ أَوْ سَدُّوا مَكَانَ الَّذِي سَدُّوا

وَ إِنْ عَاهَدُوا أَوْفُوا وَ إِنْ عَقَدُوا سَدُّوا

أَوْلَيْكَ قَوْمٌ إِنْ بَنَوْا أَحْسَنُوا الْبِنَاءَ

فَأَتَى يُسَدُّ ثَلَمَةَ أَحْيَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِذْ شَفَعُوا - وَ شَقِيقِهِ إِذْ نُسِبُوا وَ نَدِيدِهِ إِذْ فَسَلُوا - وَ ذِي قَرْنَيْ كَنْزِهَا إِذْ

فَتَحُوا - وَ مُصَلِّي الْقِبْلَتَيْنِ إِذْ تَحَرَّفُوا - وَ الْمَشْهُودِ لَهُ بِالْإِيمَانِ إِذْ كَفَرُوا - وَ الْمُدْعَى لِتَبْذِ عَهْدِ الْمُشْرِكِينَ إِذْ

نَكَلُوا- وَ الْخَلِيفَةَ عَلَى الْمِهَادِ لَيْلَةَ الْحَصَارِ إِذْ جَزَعُوا- وَ الْمُسْتَوْدَعِ لِأَشْرَارِ سَاعَةِ الْوَدَاعِ إِلَى آخِرِ كَلَامِهِ" (ابن شهر آشوب، همان: ۳/۳۳۴).

امام صادق (ع) فرمودند: «وقتی پدرم امام محمد باقر (ع) را به شام بردند، ایشان در شام می‌شنید مردم با مسخره می‌گویند این پسر ابو تراب است. پس پدرم پشت به دیوار قبله دادند و پس از حمد و ستایش خداوند و درود بر پیامبر (ص) فرمودند: "دست بردارید ای بدبخت‌ها و منافقین و آتش‌گیره‌های جهنم، از ماه تابان و دریای خروشان و ستاره و شهاب کوبنده بر سر دشمنان و ستاره درخشان و راهنمای مؤمنان و راه مستقیم (یعنی علی بن ابی طالب)، قبل از آن که به عذاب خدا گرفتار شوید و صورت‌های شما به عقب برگردد و مورد لعنت خدا قرار گیرید. چنانچه لعنت شدند آن گروه از قوم موسی (ع) که پیمان روز شنبه را درهم شکستند و به تحقیق که امر خدا واقع خواهد شد. (گروهی از قوم موسی (ع) که پیمان بسته بودند همهٔ ایام هفته را به جز روز شنبه ماهیگیری کنند ولی پیمان خود را شکستند و خداوند همهٔ آنان را عذاب کرد و به میمون و خوک تبدیل نمود). بعد از سخنانی دیگر فرمودند: «آیا کسی را که شبیه پیامبر (ص) و از ریشهٔ پیامبر (ص) است مسخره می‌کنید؟ یا کسی را که پیشوا و بزرگ دین است ریشخند می‌نمایید؟ بعد از راه علی (ع) چه راهی را می‌پیمایید و با چه وسیله اندوه خود را بر طرف می‌نمایید؟ به خدا قسم گوی سبقت را در تمام فضایل ربود و نهایت شخصیت را به دست آورد و در میدان مبارزه کسی به پایهٔ او نرسید چنان تیز رو بود که چشم از دیدن گرد و غبارش عاجز شد و گردنکشانش در مقابلش کوچک، به بالاترین قلّه‌ها بالا رفت. دروغ کسی آشکار شد که خواست با او هم‌آورد شود و از پیدا کردن ردّ پای او عاجز گردید. کجا به او می‌رسند با این فاصلهٔ زیاد که دارند دست بردارید از خاندان پیامبر سرزنش نکنید، اگر می‌توانید مقام و شخصیت آن‌ها را در دین به دست آورید. آن‌ها خانواده‌ای هستند که بنیانگذار دین هستند و در پیمان خود استوار و پا برجا می‌مانند. کجا می‌توان چون علی (ع) را پیدا کرد و چگونه می‌توان جای خالی برادر رسول خدا (ص) را پر نمود زمانی که دیگران دو به دو با هم جفت شده بودند و او برادر پیامبر (ص) و جان شیرین او بود در هنگامی که دیگران با هم نسبت داشتند. و او یگانه مرد پایدار و همتای رسول خدا (ص) در موقع ضعف و سستی دیگران بود و او ذی القرنین گنج بهشت است هنگامی که آن را گشودند و نماز گزار به دو قبله بود آن زمان که مردم راه انحراف در پیش گرفته بودند و مؤمن واقعی بود

وقتی که دیگران کافر بودند آن کس که مأمور تبلیغ سوره براءت شد. او کسی بود که به جای پیامبر (ص) خوابید شبی که تصمیم کشتن آن جناب را داشتند و دیگران یارای روبرو شدن با چنین صحنه‌ای را نداشتند. او کسی بود که پیغمبر (ص) اسرار علوم را تا آخرین کلامش هنگام درگذشتش در سینه او به ودیعت سپرد.»

## ۱-۲: بررسی مؤلفه های واژگانی خطبه

اولین گام در تحلیل گفتمان انتقادی خطبه، بررسی و تحلیل مؤلفه‌های واژگانی آن است.

### ۱-۱-۲: انتخاب واژگان و معانی آنها

براساس مربع ایدئولوژیک ون دایک (۲۰۰۰) امام باقر (ع) می‌کوشد با متّصف کردن حضرت علی (ع) به صفات پسندیده و اتّصاف گروه مقابل به صفات ناپسند، گفتمان حقانیت امیرالمؤمنین (ع) و ظلم دستگاه حاکم را توسعه دهد. امام باقر (ع) در راستای استراتژی منفی نشان دادن گروه مخالف حضرت علی (ع)، عبارات دارای بار معنایی سلبی را برای توصیف عملکرد آنها به کار گرفتند:

← **أَهْلَ الشَّقَاقِ** (بدبخت‌ها)، **ذُرِّيَّةَ النَّفَاقِ** (منافق‌ها)، **حَشَوُ النَّارِ** (فرومایگان جهنم)، **حَصَبَ جَهَنَّمَ** (آتش‌گیره‌های جهنم)

کاربرد این واژگان منفی و تحقیرآمیز برای گروه مقابل، بیانگر عدم تأیید آنها از جانب امام (ع) است.

هم‌چنین آن حضرت در راستای استراتژی روشنگری نسبت به مقام خاص حضرت علی (ع) در عصر پیامبر (ص)، عبارات دارای بار معنایی مثبت را به زبان می‌آوردند:

← **الْبَدْرِ الزَّاهِرِ** (ماه تابان)، **الْبَحْرِ الزَّائِرِ** (دریای خروشان)، **الشَّهَابِ النَّاقِبِ** (شهاب کوبنده)، **شِهَابِ الْمُؤْمِنِينَ** (ستاره درخشان)، **الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ** (راه مستقیم)

انتساب چنین صفاتی به امام علی (ع) و گروه مقابل ایشان از سوی امام باقر (ع) در شرایطی بود که امویان احساس کرده بودند تبلیغات آنان مبنی بر این که به دلیل خویشاوندی با عثمان مستوجب خلافت هستند، نظریه‌ای قوی را در زمینه خلافت که بتواند با نظریات دیگران در این زمینه مقابله کند، تشکیل نمی‌دهد؛ زیرا حق آنان در خونخواهی عثمان این مسئله را اثبات نمی‌کرد که در به

ارث بردن خلافت از او، نیز محق هستند (عطوان، ۱۳۷۱: ۲۱۴)، بنابراین امویان برای اثبات حق خود در امر خلافت و توجیه انحصارطلبی شان، به فریب افکار عمومی روی آوردند و خویشان را به بسیاری صفات مذهبی متصف کردند تا به این شکل خلافت خود را در هاله‌ای از قداست قرار دهند. ولید بن عبدالملک خلیفه‌الله (غیاث بن غوث، ۱۸۹۱: ۱۸۵)، امین‌الله (همام بن غالب، ۱۹۶۶: ۲۸۶/۱) و سلیمان بن عبدالملک ولی‌حق (همان: ۳۰۹/۲) و خلیفه مبارک (جریر بن عطیه، ۱۹۷۱: ۷۱۷/۲) و عمر بن عبدالعزیز خلیفه‌الله (همان: ۴۱۴/۱) و یزید بن عبدالملک خلیفه‌الله (همان: ۱۴۸/۱) و هشام بن عبدالملک خلیفه‌الله (ابن عساکر، ۱۹۷۹: ۳۹۲/۴)، داور پاک و پیشوای عدالت (جریر بن عطیه، همان: ۲۲۴/۱) بود. این قداست بخشی از آن که از سوی امویان صورت می‌گرفت، حکایت از اهمیت نقش واژگان در توجیه و مشروعیت بخشی به کارهای سیاسی ایشان دارد. در چنین شرایطی امام (ع) با خلق گفتمان "ما و شما" و انتقادهای کلامی که در قالب واژگان به گروه مقابل وارد نمود، در واقع ایدئولوژی و نگرش خود را بیان نمود و فرآیندی ابطالی را نسبت به فریب روانی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه که نشأت گرفته از همین فریب بود، شکل داد.

أَهْلَ الشَّقَاقِ (بدبخت‌ها)	حَسَوُ النَّارِ (فرومایگان جهنم)
ذُرِّيَّةَ النَّفَاقِ (منافقین)	حَصَبَ جَهَنَّمَ (آتش گیره‌های جهنم)

واژگان و عبارات به کاررفته  
برای مخالفان حضرت علی (ع)

الْبَدْرِ الرَّاهِرِ (ماه تابان)	يَعْسُوبِ الدِّينِ (بزرگ خاندان دین)	الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ (راه مستقیم)
الْبَحْرِ الرَّاحِرِ (دریای خروشان)	شِهَابِ الْمُؤْمِنِينَ (راهنمای مؤمنان)	بَصِينِ رَسُولِ اللَّهِ (شبهه پیامبر)
الشَّهَابِ الثَّاقِبِ (ستاره کوبنده)		

واژگان و عبارات به کاررفته  
برای حضرت علی (ع)

## ۲-۱-۲: نام‌گذاری و ارجاع

در این خطبه، گفتمان امام باقر (ع) در مورد حضرت علی (ع) و گروه مقابل ایشان صورت گرفته است. در طول خطبه نام امام (ع) آشکارا بیان نشده ولی بافت موقعیتی و بافت کلامی خطبه و صفات و خصوصیتی که امام باقر (ع) در مورد آن حضرت به کار برده‌اند، کاملاً ذهن مخاطب را به سمت ایشان سوق می‌دهد. *صِنُو رَسُولَ اللَّهِ، يَعْشُوبِ الدِّينِ*.

استراتژی امام باقر (ع) در به کارگیری این نامگذاری به جای بردن نام مستقیم حضرت، کاملاً در راستای گفتمان انتقادی ایشان است؛ چراکه وقتی برای اشاره به امام علی (ع)، عبارت *"ثُلْمَةُ أُخِي رَسُولِ اللَّهِ"* را به کار می‌برند در واقع با اشاره ضمنی به شایستگی امام علی (ع) نسبت به سایرین، احساسات مردم را در جهت تأیید امیرالمؤمنین (ع) برمی‌انگیزد و با ایدئولوژی مورد نظر خود همسو می‌گرداند.

و اما در مورد گروه مقابل، حضرت غالباً ضماین را به کار برده‌اند که فقط اشاره‌ای و به نحو کلی است و در نگاه اول، فکر مخاطب را متوجه شخصی معین نمی‌کند، اما برای مخاطبان آن عصر و معاصران که اطلاعاتی صحیح از تاریخ صدر اسلام دارند، عبارات امام (ع) تداعی‌گر افرادی خاص است شاید بتوان گفت اساس گفتمان انتقادی امام باقر (ع) خطاب به نسل آن‌ها ایراد شده است. زمانی که امام می‌فرماید:

*"الْمَشْهُودِ لَهُ بِالْإِيمَانِ إِذْ كَفَرُوا"* «مؤمن واقعی بود هنگامی که دیگران کافر بودند»، امام (ع) مردم را مورد عتاب قرار می‌دهد و از این که اولین مردی را که به اسلام گرویده بود، واگذاشته و به افرادی روی آورده‌اند که سال‌ها بعد اسلام آوردند، انتقاد دارد. این انتقاد در نگاه اول متوجه همه کافران و مشرکان عصر پیامبر (ص) می‌شود ولی با نگاهی دقیق‌تر شاید بتوان فرزندان ابوسفیان و سایر افرادی را از کلام امام رمزگشایی کرد که بعدها اسلام را پذیرفتند ولی جزء مدعی‌ترین اشخاص نسبت به جانشینی پیامبر (ص) بودند.

در پاسخ به علت پوشیده‌گویی امام باقر (ع) باید گفت امام (ع) ضمن به کارگیری این فرآیند در راستای گفتمانی انتقادی، با اشاره‌ای کلی به جریان مخالف و پرهیز از بردن نام اشخاص، نقش افراد را کم‌رنگ جلوه داده و اصل عمل آن‌ها را مورد نقد و اعتراض قرار داده است. در واقع روندی

که امام (ع) در پیش گرفت به خاطر خفقان موجود در دستگاه حاکم بود که مانع از آوردن نام افراد می‌گشت، همان خفقانی که باعث شده بود امام (ع) در موقعیت‌های خاص، تقیه در پیش گیرد.

حضرت علی (ع)	گروه مقابل
صِنُو رَسُولِ اللَّهِ	مَنْ رَامَ مِنْ نَفْسِهِ السَّعْيَ
يَعْسُوبِ الدِّينِ	
ثُلْمَةُ أُخِي رَسُولِ اللَّهِ	

نامگذاری و ارجاع

### ۶-۱-۳: گزاره پردازی

امام باقر (ع) برای باز نمود مستقیم ایده‌ها و افکار انتقادی خود، جهت نمایاندن حقانیت ولایت حضرت علی (ع)، در طول خطبه با تکرار برای اشاره به ایشان از گزاره‌های مثبت بهره برده‌اند، گزاره‌هایی که هر کدام بیانگر صلاحیت و مشروعیت خلافت امام علی (ع) و مظلومیت حضرتش در طول دوران حکومت بنی‌امیه است.

الْمَشْهُودِ لَهُ بِالْإِيمَانِ (همواره مؤمن واقعی بود)
الْمُدَّعَى لِنَبْذِ عَهْدِ الْمُشْرِكِينَ (کسی که مأمور تبلیغ سوره براءت شد)
الْخَلِيفَةَ عَلَى الْمَهَادِ لَيْلَةَ الْحِصَارِ (کسی که به جای پیامبر (ص) خوابید شبی که تصمیم کشتن آن جناب را داشتند)
الْمُسْتَوْذَعِ لِأَسْرَارِ سَاعَةِ الْوَدَاعِ (کسی که پیغمبر (ص) تا لحظه آخر عمر، اسرارش را در سینه او به ودیعه سپارد.)

گزاره پردازی به کاررفته برای حضرت علی (ع)

بنی‌امیه به وسیله سانسور و کتمان فضایل حضرت، افکار روانی جامعه را طوری شکل داده بودند که رافضی و ابوترابی بودن جرمی محسوب می‌شد که سزایش زندان و مرگ بود (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۱۳۷، حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹: ۶۹)؛ حال آن که در مورد دلیل اختصاص کنیه ابوتراب به حضرت علی (ع) توسط رسول خدا (ص)، علل زیادی بیان شده، از جمله این که او صاحب زمین می‌باشد و در روی زمین بعد از رسول خدا (ص) حجت پروردگار است، بقا و سکون زمین به خاطر او می‌باشد (صدوق، بی تا: ۱۵۶/۱). درچنین شرایطی امام باقر (ع) ضمن ایراد خطبه، گزاره‌های توصیفی را جایگزین نام ایشان کردند تا به این گونه نسبت به ظلم بی‌حدی که در حق خاندان رسول خدا (ص) شده بود روشنگری نماید و گوشه‌ای از فضایل امیرالمؤمنین (ع) را برای مردم نادان

یادآوری کند. یکی از این گزاره‌ها " الْخَلِيفَةُ عَلَى الْمَهَادِ لَيْلَةُ الْحِصَارِ " است که اشاره به جریان لیلۃ المبیّت و نزول آیه اشتراء (۲۰۷/بقره) دارد؛ آیه‌ای که بنا به تأیید مفسرین شیعه و اهل سنت<sup>۴</sup> در شأن حضرتش نازل شد. امام باقر (ع) با هدف یادآوری فضایی که در راستای تأمین منافع امویان سانسور شده بود، این گزاره‌های مثبت را که هر کدام پشتوانه‌ای تاریخی دارند، به کار بردند.

#### ۶-۱-۴: کنایه

با نگاهی به کلام امام باقر (ع) درمی‌یابیم از ابتدا تا انتهای خطبه، تمام توصیفات مثبتی که برای حضرت علی (ع) و صفات منفی که برای مخالفان بیان شده، دارای بار کنایه‌ای می‌باشد. به بیان دیگر امام (ع) با این نوع گفتمان طعنه‌آمیز، ایدئولوژی حاکم بر جامعه را مورد نقد قرار داده است. نگاهی گذرا به گفتمان امام باقر (ع)، گویای این واقعیت است که تمام عبارات مثبت و منفی که برای حضرت علی (ع) و گروه مخالف ایشان به کار رفته و پرسش‌های انکاری که امام (ع) مطرح کرده‌اند و دیگر قسمت‌های کلام، همراه با کنایه است، به طور مثال در عبارت: " خَلِيفَةُ عَلِيٍّ الْمَهَادِ لَيْلَةُ الْحِصَارِ إِذْ جَزَعُوا " حضرت یادآوری می‌کنند که با وجود افراد فراوان که اطراف پیامبر (ص) را گرفته بودند، امیرالمؤمنین (ع)، تنها شخصی بود که رسول خدا (ص) به وی اعتماد کرد و به ایشان پیشنهاد خوابیدن در جایگاه خود را داد. حال این که چرا شخص معتمد پیامبر خدا (ص) به کناری نهاده شده و دیگران جایگاه خلافت را گرفته‌اند، کنایه‌ای تحقیرآمیز برای سیستم حکومتی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه است.

#### ۶-۱-۵: مجاز

درواقع مجاز، یکی از راه‌های پوشیده‌گویی و عدم صراحت است و مجاز به کار رفته در متن، کارکرد ایدئولوژیک و گفتمان‌مدار دارد، یعنی امام (ع) آگاهانه و عمدی و در راستای استراتژی اثبات شایستگی امام علی (ع) و ظالمانه بودن موضع گروه مقابل، مجاز را به کار برده است. این پوشیده‌گویی با توجه به جو خفقان حاکم بر جامعه آن روز کاملاً قابل توجیه است؛ به ویژه آن که امام (ع) در این خطبه مخاطبانی خاص را در نظر دارد و به نوعی می‌داند که آن‌ها پیام او را می‌گیرند و نیازی به صراحت نیست. در عبارت «مِنْ قَبْلِ أَنْ تُطْمَسَ وَجُوهُ» مجاز مرسل<sup>۵</sup> به کار رفته و این که "وجوه" را به صورت نکره آورده‌اند نیز برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطب است.<sup>۶</sup>



بافت این جمله بسیار هوشمندانه خلق شده و دارای نکات قابل اعتنایی در راستای بیان ایدئولوژی امام (ع) است. این عبارت با کمی تغییرات برگرفته از آیات قرآن کریم می‌باشد.<sup>۷</sup> فعل "نطمس" در قرآن معلوم آمده است (نساء/۴۷). در قرآن به اجراکننده عذاب الهی اشاره شده؛ ولی امام (ع) در کلام خود به فاعل اشاره‌ای نمی‌کنند و فعل را مجهول می‌آورند، این بافت، نوعی حقارت را برای گروه مقابل به‌دنبال دارد.

فرکلاف هدف تحلیل گفتمان انتقادی را نقد روشنگر<sup>۱</sup> معرفی می‌کند ( : fairclough, 2001: 236) در این خطبه، بررسی نوع چینش عبارات برای تحلیلگر، حاوی پیام انتقادی است: "اجْتَنِبُوا أَهْلَ الشَّقَاقِ ... عَنِ الْبَدْرِ الزَّاهِرِ ... مِنْ قَبْلِ أَنْ تُطْمَسَ وُجُوهُ"

بافت متنی فوق، اثرگذاری عمل مخالفان بر حضرت را منتفی می‌کند و ادامه آن کاملاً این ساختار را در ذهن تداعی می‌کند که اثر ویرانگر عمل مخالفان متوجه خودشان می‌شود. به بیان دیگر امام باقر (ع)، با کلام خود به مخاطب این پیام را منتقل می‌کند که تمسخر و استهزای شما چیزی از فضایل حضرت علی (ع) نمی‌کاهد، بلکه عواقب سوء آن متوجه خودتان می‌شود و به‌این ترتیب رسالت خود را که روشنگری و بیان حقایق است، انجام می‌دهند.

## ۲-۶: بررسی مؤلفه‌های نحوی و ساختار جملات خطبه

گام بعدی در شناخت و تحلیل گفتمان خطبه، بررسی مؤلفه‌های نحوی و ساختار جملات است:

### ۱-۲-۶: تعدی

امام در طول خطبه، گاهی فعل مجهول و زمانی فعل معلوم را به کار برده‌اند. نحوه ارتباط فعل به فاعل در تحلیل گفتمان انتقادی، نقشی مؤثر دارد، مثلاً در جملاتی که فعل مجهول و بدون ذکر عامل آمده است، درواقع گوینده قصد دارد توجه مخاطب را به اصل کار و پدیده‌ای که رخ داده معطوف نماید و هویت‌کننده کار به حاشیه می‌رود و نقش عامل کم‌رنگ جلوه می‌شود. در این خطبه فعل "شُعُوا" یا "نُسُوا" بر خود پدیده جفت شدن یا نسبت داشتن تأکید دارد. "فَأَنِّي يُسَدُّ تُلْمَةَ أَحِي رَسُولِ اللَّهِ إِذْ شُعُوا- وَ شَقِيقِهِ إِذْ نُسُوا"

"چگونه می توان جای خالی برادر رسول خدا را پر نمود زمانی که دیگران دو به دو با هم جفت شده بودند و او برادر پیامبر و جان شیرین او بود در زمانی که دیگران با هم نسبت داشتند"

در این جملات، امام (ع) هیچ گونه اشاره‌ای به شخصی معین جز امیرالمؤمنین (ع) نمی کند. گویی جایگاه و منزلت ایشان به واسطه نسبت برادری داشتن با رسول خدا (ص) به قدری والا است که سایر نسبت‌ها و پیوندها در برابر آن محو و ناچیز می گردد و جایی برای نام بردن از دیگری باقی نمی ماند؛ از این رو فعل را مجهول می آورد و به فردی معین اشاره نمی کند. این گونه رمز گشایی از ساختار نحوی کلام، زمانی محقق می شود که تحلیلگر، چگونگی ربط فعل با فاعل در گفتمان را نشأت گرفته از ایدئولوژی گوینده بداند. البته احتمالی دیگر هم وجود دارد که به خاطر جوّ خاصّ که از سوی دستگاه حکومتی بر جامعه غالب بوده است، امام (ع) نتوانسته آشکارا نام افراد را بر زبان بیاورد.

#### ۶-۲-۲: وجهیت

بررسی مؤلفه وجهیت در خطبه، تحلیلگر را در جهت انعکاس نگرش امام باقر (ع) نسبت به گروه مقابل سوق می دهد. در تعریف وجهیت گفته شد وجوه خبری، پرسشی، امری، التزامی، آرزویی، دعایی و عاطفی نیز معطوف به وجهیت هستند و هرگاه گوینده جملات خود را در قالب وجهی بیان نماید حکایت از اعتقاد راسخ و قطعی گوینده، درباره آن چه بیان می شود، دارد.

#### ۶-۲-۱: عبارات اخباری

در پاره‌ای اوقات، تأکید در بافت متنی کلام امام (ع) تاحدی تشدید می شود که جای هیچ شکی برای مخاطب باقی نمی ماند که حضرت نسبت به آن چه می گویند ایمان دارند و هیچ تردیدی در گفتمان ایشان به چشم نمی خورد:

"هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ بَرَزَ وَاللَّهِ بِالسَّبْقِ وَ... " اسم فعل "هَيْهَاتَ" به معنای "بُعْدٌ" است و در این جایگاه، به نوعی نقش افعال اندیشه‌ای را ایفا می کند که امام (ع) از طریق آن بر شایستگی امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید می کند. تکرار "هَيْهَاتَ" در کنار قسم به نام جلاله الله، بیسانگر اوج اعتقاد قلبی ایشان به شایستگی و لیاقت امام علی (ع) است. امام (ع) پس از برشمردن اوصاف شایسته حضرت علی (ع)، می فرماید کسانی که قصد داشتند با امیرالمؤمنین هم‌وردی کنند، دروغ

گفتند و جهت تأکید مضاعف بر کلام، ضرب‌المثلی<sup>۸</sup> از آیات قرآن را بیان می‌کنند: " فَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ " (سبأ/۵۲)

### ۶-۲-۲: عبارات امری

به کارگیری افعال امری، از اعتقادات و جهان‌بینی گوینده حکایت می‌کند. به بیان دیگر، جملهٔ "اجْتَنِبُوا أَهْلَ الشَّقَاقِ .... عَنِ الْبَدْرِ الزَّاهِرِ ... " حاکی از نوع نگرش امام (ع) به شرایط جامعه است. ایشان به حقانیت امیرالمؤمنین (ع) اعتقاد دارد و وقتی تعامل غیرمنصفانهٔ جامعه را با این حق مسلم می‌بیند دیگر جایی برای موعظه و توصیه نمی‌بیند و آمرانه سخن می‌گوید، امری که با تهدید و تأکید آمیخته است. بررسی نوع چینش عبارات در کنار افعال امری، برای تحلیگر، حاوی پیام انتقادی است: "اجْتَنِبُوا أَهْلَ الشَّقَاقِ .... عَنِ الْبَدْرِ الزَّاهِرِ ... مِنْ قَبْلِ أَنْ تُطْمَسَ وَجُوهٌ ... وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا "

بافت متنی فوق، اثرگذاری عمل مخالفان بر حضرت را منتفی می‌کند و تأکید انتهایی کلام (وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا) اشاره به این است که تهدید یاد شده حتماً واقع می‌گردد و اثر ویرانگر عمل مخالفان، متوجهٔ خودشان می‌شود. به بیان دیگر امام باقر (ع)، با کلام خود این پیام را به مخاطب منتقل می‌کند که تمسخر و استهزای شما چیزی از فضایل حضرت علی (ع) نمی‌کاهد، بلکه عواقب سوء آن متوجه خودتان می‌شود.

### ۶-۲-۳: عبارات پرسشی

امام باقر (ع) ضمن ایراد خطبه، چندین مرتبه گفتمان خود را در قالب عبارات پرسشی پی‌می‌گیرند.

أَبْصِنُوا رَسُولَ اللَّهِ تَسْتَهْزِئُونَ- أَمْ يَبْغُضُ الَّذِينَ تَلْمِزُونَ- وَ أَىَّ سَبِيلٍ بَعْدَهُ تَسْلُكُونَ- وَ أَىَّ حُزْنٍ بَعْدَهُ تَدْفَعُونَ

در این جملات، منظور امام (ع) پرسش و کسب اطلاعات نمی‌باشد، بلکه صورت سئوالی را بیش‌تر برای تأکید فزون‌تر بر محتوای کلام و هم‌چنین برای بیان انتقاد، اعتراض و به‌سخره گرفتن

عملکرد گروه مقابل برگزیده است (رضایی، ۱۳۸۲: ۵۴)

فَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ، فَأَنَّى يُسَدُّ ثُلْمَةَ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ

"آئی" اسم استفهام به معنای "کیف" است. امام (ع) با طرح این سئوالات ازسویی ایدئولوژی خود را بیان می‌کند و می‌گوید هرگز شخصی همپای امیرالمؤمنین (ع) نبوده است و از سوی دیگر مخاطب را به فکر وامی‌دارد که در جامعه چه روی داده که شبیه‌ترین به رسول خدا (ص)، این چنین بی‌محبا مورد اهانت قرار می‌گیرد. این بافت کلامی نشان می‌دهد امام بر ایدئولوژی خود کاملاً پایبند می‌باشد و هیچ شکّی در درستی و حقانیت آن ندارد.

## ۷- پیشنهادها

بدیهی است که هر نظریه و روش تحلیلی-پژوهشی، علاوه بر دستاوردها، نوآوری‌ها و نقاط قوتی که دارد، ضعف‌ها و محدودیت‌هایی نیز دارد. تحلیل گفتمان انتقادی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. تحلیل گفتمان انتقادی با وجود این که امکانات و دستاوردهایی چشمگیر دارد ولی به نظر می‌رسد کاربرد آن در حوزه متون دینی دو ایراد عمده به همراه دارد و آن این‌که:

**اولاً:** نظریه پردازان این مقوله، زبان‌شناسان غربی هستند. در تحلیل متون دینی نیاز است مبانی اولیه تحلیل گفتمان انتقادی، مطابق با مبانی اسلامی، بومی‌سازی شود. در غیر این صورت در تحلیل متون با اشکالات کوچک و بزرگ مواجه می‌شویم. آنچه امام باقر (ع) قصد دارند در این خطبه بیان کنند برخاسته از جهان‌بینی ایشان است در صورتی که در تعاریف تحلیل گفتمان انتقادی فقط گفتگو از ایدئولوژی شده است. لازم به ذکر می‌باشد جهان‌بینی نشأت گرفته از هست‌ها و نیست‌ها ولی ایدئولوژی شکل گرفته از بایدها و نبایدها است.

**ثانیاً:** با توجه به هدف در تحلیل گفتمان انتقادی که رمزگشایی از کلام گوینده است، برای رسیدن به هدف و منظور اصلی در تحلیل کلام امام (ع)، نیاز است عین کلام را مورد تحلیل قرار دهیم؛ زیرا در این نظریه، نوع و نحوه بیان تک‌تک اسم‌ها، فعل‌ها و حروف و هم‌چنین تکرارها و دیگر رابطه‌ها در متن و جز آن‌ها در تحلیل و رمزگشایی نقش دارد و این درحالی است که راویان به غیر از موارد استثنا- روایات متواتر لفظی- بنا به سلیقه خود، روایات را نقل کرده‌اند و ما شاهد روایات متواتر معنوی هستیم که این کاستی از دقت نتیجه در تحلیل گفتمان انتقادی می‌کاهد.

## نتیجه‌گیری

با بررسی گفتمان انتقادی امام باقر (ع) بر مبنای مؤلفه‌های نظری فرکلاف و لحاظ ضمنی دو مؤلفه از مرتع ایدئولوژیک ون‌دایک، نتیجه می‌گیریم که:

۱- نگرش، انگیزه و ایدئولوژی پشت پرده این خطبه، گفتمان دفاع از حقانیت امیرالمؤمنین (ع) است. به بیان دیگر موضوع اصلی این خطبه، بحث اثبات حقانیت امیرالمؤمنین (ع) و افشای ظلمی است که نسبت به ایشان رواداشته شد؛

۲- همان طور که در متن ملاحظه شد ریزموضوعاتی نظیر تکیه امام باقر (ع) به دیوار مسجد و یا اشاره به رویدادهای تاریخی مانند لیلۃ‌المبیت، جریان اولین بیعت‌کننده با رسول خدا (ص) و جز این‌ها که در کنار موضوع اصلی پدید آمده‌اند، به طور کامل در راستای موضوع اصلی شکل گرفته و با هدف و مقصود مورد نظر امام (ع) که دفاع از مشروعیت وصایت امام علی (ع) است، هماهنگ می‌باشد و حضرت براساس دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های خود به گزارش موضوع می‌پردازند؛

۳- براساس مرتع ایدئولوژیک ون‌دایک، گفتمان امام باقر (ع) صحنه رویارویی نیروهای خودی (امام علی (ع)) و نیروهای غیرخودی (مخالفان ایشان) است. و بر مبنای نظریه فرکلاف، تمامی انتخاب‌های زبانی، چه در سطح واژگان و چه در سطح نحو، در راستای هدف امام (ع) و القای ایدئولوژی مورد نظر ایشان به مخاطب می‌باشد، لذا گفتمان خطبه، گویای تفاوت در زیربنای فکری و دیدگاه‌های امام (ع) با ایدئولوژی نظام حاکم است؛

۴- امام (ع) از همان ابتدای خطبه، با درود فرستادن بر رسول خدا (ص)، کاملاً موضع خود را آشکار و واضح نشان می‌دهد که قصدش حمایت و دفاع از حق‌خاندان رسول خدا (ص) است و در ادامه نیز با ندهای متوالی، انذارگونه، تهدیدوار و بیزاری‌جویانه وارد عمل می‌شوند و ضمن به کارگیری اسلوب‌های تعجب، استفهام انکاری و توییخ، مباحث تاریخی را بیان می‌کند تا پرده از حقایق برداشته شود و آنچه سال‌ها بعد از رحلت پیامبر (ص) توسط خلفای امویّ سانسور شده بود، روشن و آشکار گردد.

## پی نوشتها

۱- فی قوله تعالى وَ أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ حَيْثُ جَعَلَتْ قُلُوبِهِمْ لِتَمَكَّنَ حَبَّ الْعِجْلِ مِنْهَا كَأَنَّهَا تَشْرَبُ أَى تَدْخُلُهَا حَبَّهُ وَ رَسَخَ فِي قُلُوبِهِمْ صُورَتَهُ لِفِرطِ شَغْفِهِمْ بِهِ وَ حِرْصِهِمْ عَلَى عِبَادَتِهِ كَمَا يَتَدَاخَلُ الصَّبْغُ الثُوبَ وَ الشَّرَابُ أَعْمَاقَ الْبَدَنِ (صافى، ۱۴۱۸: ۲۰۱/۱)

۲- عَنْ عَبَّادَةَ بْنِ رُبَيْعٍ قَالَ قُلْتُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ لِمَ كَتَبَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَيَّ (ع) أَبَا تُرَابٍ قَالَ لِأَنَّهُ صَاحِبُ الْأَرْضِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِهَا بَعْدَهُ وَ بِهِ بَقَاؤُهَا وَ إِلَيْهِ سُكُونُهَا وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ رَأَى الْكَافِرَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِشَيْعَةِ عَلِيِّ مِنَ الثَّوَابِ وَ الرِّزْقِ وَ الْكِرَامَةِ قَالَ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا أَيْ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مِنْ شَيْعَةِ عَلِيِّ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (صدوق، ۱۴۰۳: ۱۲۰) این روایت گویای حقیقت ابو تراب است؛ زیرا امام علی (ع) صاحب و حجت خدا بر اهل زمین پس از رسول الله می باشد که بقا و سکون زمین به وجود مبارک ایشان است.

۳- المناقب لابن شهر آشوب أَبُو بَكْرٍ بْنُ دُرَيْدٍ الْأَزْدِيُّ يُسْتَدَادُ لَهُ وَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِمْ كُلِّهِمْ عَنْ الصَّادِقِ (ع).

۴- (رضوانی، ۱۳۸۵: ۴۳۱/۱).

۵- المجاز المرسل: فی قوله تعالى «وجوها» حیث ذکر وجوها و أراد أصحابها و العلاقة الكلية. (صافى، ۱۴۱۸: ۵۶/۵)

۶- فی تنکیر الوجوه المفید للتکثیر تهویل للخطب و فی إبهامها لطف بالمخاطبین و حسن استدعاء لهم الى الإيمان. (همان)

۷- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۴۷/نساء)

۸- و المراد تمثيل حالهم، فی الاستخلاص بالایمان، بعد ما فات عنهم و بعد، بحال من يريد أن يتناول الشيء، بعد أن بعد عنه وفات، فی الاستحالة. (همان، ۲۴۵/۲۲)

## منابع و مآخذ

### ۱- قرآن کریم

- ۲- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۳)، "زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن"، مجله زبان‌شناسی، سال نوزدهم، شماره اول.
- ۳- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، *مجموعه مقالات کارگاه تحلیل گفتمان*، تهران: نشر اهورا.
- ۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۲)، *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*، تهران: نشر علمی.
- ۶- \_\_\_\_\_؛ رضا خیرآبادی (۱۳۹۳)، *زبان‌شناسی خبر*، تهران: نشر علمی.
- ۷- ابن شهر آشوب (۱۳۷۶)، *مناقب آل ابی طالب*، نجف اشرف: مطبعة الحیدریة.
- ۸- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن (۱۹۷۹)، *تهذیب تاریخ ابن عساکر*، بیروت: دارالمسیرة.
- ۹- اخطل، غیاث‌بن غوث التغلبی (۱۸۹۱)، *دیوانه*، بیروت: نشر الأب أنطوان صالحانی الیسوعی.
- ۱۰- امام، سید محمد (۱۳۹۳)، *مواجهه فکری و عملی امامان شیعه با دشمنان*، قم: نشر ادیان.
- ۱۱- حامدی شیروان، زهرا (۱۳۸۸)، *تحلیل گفتمان انتقادی پاره‌ای از متون مطبوعاتی سیاسی معاصر*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۱۲- حسین بن عبدالوهاب (۱۳۶۹)، *عیون المعجزات*، نجف: بی‌نا.
- ۱۳- حسین زاده، زهرا (۱۳۸۰)، *سخن کاوی نقادانه از سرمقالات فارسی زبان بعد از جنگ تحمیلی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ۱۴- خطفی، جریر بن عطیه (۱۹۷۱)، *دیوانه*، تحقیق نعمان محمدامین طه، قاهره: طبع دارالمعارف.
- ۱۵- رضایی، ولی (۱۳۸۲)، *کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در زبان فارسی*، مجله زبان‌شناسی، سال هجدهم، شماره دوم.
- ۱۶- روشنفکر، کبری؛ فاطمه اکبری زاده (۱۳۹۰)، *تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهرا (س)*، منهاج، سال هفتم، شماره دوازدهم.
- ۱۷- ساعدی، محمد باقر، (۱۳۷۴)، *فضایل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت*، قم: نشر فیروزآبادی.
- ۱۸- سعیدنیا، گلرخ (۱۳۹۰)، *تحلیل گفتمان سیاسی خوانشی نواز تحلیل گفتمان انتقادی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۱۹- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر نی.

- ۲۰- صافی محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸)، *الجدول فی اعراب القرآن*، الطبعة الرابعة، بیروت: نشر دار الرشید مؤسسة الإيمان.
- ۲۱- صدوق (۱۴۰۳)، *معانی الاخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۲- صدوق (بی تا)، *علل الشرائع*، قم: نشر داوری.
- ۲۳- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۴- عطوان، حسین (۱۳۷۱)، *فرقه‌های اسلامی در سرزمین شام*، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ۲۵- عقدایی، فاطمه (۱۳۹۶)، *راهکارهای مقابله با جنگ روانی و تبلیغاتی در سیره امام محمد باقر (ع)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۲۶- فرزדق، همام‌بن غالب (۱۹۶۶)، *دیوان*، بیروت: دار صادر.
- ۲۷- فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۷۶)، *ترجمه و شرح صحیفه سجّادیه*، تهران: نشر فقیه.
- ۲۸- محمدرضایی، علیرضا؛ فاطمه اکبری‌زاده (۱۳۹۲)، *گفتمان سوره مریم؛ زن در تعامل عرف و عفاف*، فلسفه دین، دوره دهم، شماره سه.
- ۲۹- مسعودی (بی تا)، *مروج الذهب*، قم: نشر دارالهجرة.
- ۳۰- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۱- ون دایک، نئون ای (۱۳۸۲)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا سخن کاوی انتقادی*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۳۲- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۵)، *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، تهران: انتشارات هرمس.
- 33- Fairclough, Norman (1992), *Discourse and Social change*, Polity: London
- 34- Johnstone, Barbara (2008), *discourse analysis*, Blackwell publishing.
- 35- Mills, S. (1995), *Feminist Stylistics*, London: Routledge.
- 36- Richardson, Jone E (2007), *analyzing newspapers: an approach from critical discourse analysis*, palgrave publishing.
- 37- Simpson, P. (1993), *Stylistics: A Resource Book for Students*, London: Routledge.
- 38- Van Dijk, Teun A. (2000). *Ideology and Discourse a Multidisciplinary Introduction*, Barcelona: PamperFabra University press.
- 39- Van leeuwen, Theo (2008), "representing social actors" in Van Leeuwen.